



بالاخره یک تکانی خورد. ماهیگیری خم شده بود
چون یک ^{۴۲} آن را گرفته بود. و بنجامین ^{۴۳} را
بالا کشید. خیلی زود ^{۴۴} پر خواهد شد. جک وقتی
که ماهی کوچک را دید، خندید، تیمی ^{۴۵} را تکان داد
و گفت: پدر، بگذار برود. او را داخل آب بینداز.